

فصل‌نامه علمی پژوهش‌نامه تاریخ اسلام
سال دهم، شماره سی‌وهشتم، تابستان ۱۳۹۹
مقاله پژوهشی، صفحات ۲۷-۴۸

معیارهای آسیب‌شناسی اخبار عاشورا در مقاتل عصر قاجار

محمد رضا فلاح گر^۱
سید محمد حسینی^۲
علی آقانوری^۳

چکیده

واقعه‌نگاری عاشورا یکی از موثرترین شیوه‌ها در جهت پاسداشت و حفظ ارزش‌های والای حادثه کربلا، همواره در طول تاریخ مورد توجه محققان بوده‌است. آثار عاشورایی از لحاظ متنی خالی از ضعف نیستند، از این‌رو بررسی صحت و سقم مضمون و محتوای این آثار ضروری است. یکی از دوره‌هایی که به دلیل رشد بی‌سابقه مقتل‌نگاری و همچنین فراوانی آسیب‌های متنی در آثار عاشورایی، مورد توجه قرار گرفته، عصر حاکمیت قاجاریان است. مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که چگونه و با چه روش‌هایی می‌توان به آسیب‌های متنی موجود در مقاتل عصر قاجار پی برد؟ در این مقاله، معیار و ملاک‌های کارآمد و شفاف به منظور چگونگی تشخیص این آسیب‌ها در عصر مورد پژوهش، معرفی و تبیین شده‌است. بر اساس بررسی‌های صورت گرفته، می‌توان گفت که معیارهایی مانند عقل سلیم، شأن و عنصر عزت‌طلبی امام حسین (علیه السلام) و اهل بیت (علیهم السلام)، جامعه‌شناسی شهرهای مرتبط با واقعه و باورهای فکری و مذهبی آن عصر از مهمترین ملاک‌های آسیب‌شناسی متنی اخبار عاشورا در مقاتل عصر قاجار به حساب می‌آیند.

کلیدواژه‌ها: تاریخ‌نگاری، تحریفات عاشورا، عاشورا پژوهی، عصر قاجار، مقاتل.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ تشیع دانشگاه ادیان و مذاهب قم (نویسنده مسئول). Qazvinu@gmail.com

۲. دکتری تاریخ تشیع دانشگاه ادیان و مذاهب قم. hiu.sh56@gmail.com

۳. دانشیار گروه تاریخ تشیع دانشگاه ادیان و مذاهب قم. aghanoori@religionsit.com

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۴/۰۶

درآمد

قاجاریان (حک. ۱۲۰۹-۱۳۴۴) از لحاظ سیاسی-اجتماعی با فرازوفرودهای فراوانی همراه بوده‌اند. کشمکش‌های داخلی بر سر جابجایی قدرت، درگیری با حکومت‌های هم‌جوار، سفرهای خارجی بی‌فایده به بهانه‌های مختلف، دریافت قرض‌های کمرشکن از روسیه و انگلیس در مقابل واگذاری مهم‌ترین مراکز درآمد و تقدیم بخش‌های زیادی از خاک میهن به بیگانگان، نتیجه‌ای جز فشارهای روحی و روانی، اقتصادی، فقر، آوارگی، بی‌خانمانی برای جامعه شیعی ایران در پی نداشت.

در چنین شرایطی، حاکمان و درباریان، برای نجات خود از نابسامانی‌ها و مشکلات داخلی و خارجی و هراس از شورش‌های احتمالی بیشتر افراد جامعه، سراغ تأثیرگذارترین و التیام‌بخش‌ترین حادثه تاریخ اسلام که ماهیت آن با فطرت انسان‌ها و روحیه مقاومت و ستم‌ستیزی ایرانیان عجین بود (حادثه کربلا)، رفتند. به‌رغم اینکه دین‌داری و پایبندی‌شان به معارف ناب دینی، چندان از دایره ظواهر و وجه عوامانه دین فراتر نمی‌رفت، به‌طور زائدالوصف و بی‌سابقه‌ای با تمام توان، بانی برگزاری مراسم سوگواری و آیین‌های مذهبی شدند و با استفاده ابرازی از عاشورای حسینی، توانستند تا مدت‌ها از خطراتی که به‌طور جدی تهدیدشان می‌کرد، رهایی یابند.

حادثه عاشورا، از مهم‌ترین رخداد‌های تاریخ اسلام، به سبب هویت بخشی سیاسی، اعتقادی و مذهبی، از جایگاه خاصی برخوردار است. از این‌رو، شیعه و حتی سایر گروه‌های اسلامی، اهتمام خاصی به بزرگداشت آن در طول تاریخ داشته‌اند. ثبت و نگارش وقایع عاشورا عمدتاً تا حدود قرن پنجم هجری، با رویکرد تاریخی ادامه داشت. به تدریج این تلاش‌ها به‌ویژه در سده‌های میانی در ایران، متأثر از نزدیکی و پیوند تصوّف و تشیع، از روش تاریخ‌نگارانه فاصله گرفته و با رسوخ روش و ادبیات داستانی در آن، وارد مرحله تازه‌ای شده‌است. اواخر عهد تیموری و در دوره صفوی، تحت تأثیر ادبیات داستانی صوفیان، با تألیف کتاب *روضه الشهداء* ملاحسین کاشفی (متوفای ۹۱۰) روش جدیدی در عاشورا نگاری ارائه شد. این نگاه‌سته، طبق پژوهش‌های صورت گرفته، در مقایسه با سایر آثار، از انحرافات بیشتری برخوردار بوده



و در واقعه‌نگاری دوره‌های بعدی نیز تأثیر بسزایی گذاشته است (جعفریان، ۶۶۰-۶۰۹). از این رو با توجه به اهمیت کانونی این رخداد در عرصه‌های مختلف اعتقادی، مذهبی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، ارزیابی چنین منابعی، ضروری می‌نماید. به همین دلیل، محققان با ورود به عرصه سندپژوهی و متن‌پژوهی گزارش‌های نقل‌شده در متون عاشورایی و بررسی تاریخی گزارش‌های برجای‌مانده از این دوره، کمک شایانی به پالایش این آثار کرده‌اند. پژوهش حاضر نیز در راستای تحقق هدف مذکور و با الهام از تلاش‌های صورت گرفته، می‌کوشد تا با استفاده از معیارهای کارآمد به واکاوی متن اخبار عاشورا در هشت اثر از آثار عاشورایی این دوره پرداخته و پس از شناسایی آسیب‌های متنی موجود در این آثار، مصادیقی از آنها را معرفی و نمونه‌هایی را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. از این رو، در بررسی‌های به‌عمل‌آمده، محقق بر این باور است که آسیب‌های متنی موجود در منابع منتخب، عمدتاً میراث منابع واقعه‌نگاری عاشورا از دوره‌های گذشته بوده‌است و همچنین وجود زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و مذهبی حاکم بر جامعه، به‌ویژه سیاست پادشاهان و درباریان قاجار، تحت تأثیر باورهای صوفیانه، نسبت به گسترش سنت‌های عزاداری و اهتمام به برگزاری مراسم روضه‌خوانی و آیین‌های سوگواری عاشورا با تأکید بر رویکرد احساسی، سهل‌انگاری در به‌کارگیری روش‌های صحیح نقل داده‌های تاریخی، فاصله گرفتن از منابع اصیل کهن، دخالت دادن ذوق، سلیقه و باور شخصی، در ورود آسیب‌های متنی فراوان به مقاتل این دوره، تأثیر بسیار داشته است.

در این پژوهش متن، به معنای مجموعه گزارش‌های مربوط به واقعه عاشورا در قالب گزاره‌های تاریخی، روایی و حدیثی اعم از خطبه‌ها، نامه‌ها و مانند اینهاست که در مقاتل نگاری‌ها به‌ویژه در مقاتل عصر قاجار مورد استفاده و استناد واقع شده‌است. مقصود از «آسیب‌های متنی» موانع و مشکلات موجود در متن مانند تصحیف، تقطیع، تعارض و نقل به معنا است که وجود آنها خواننده و یا شنونده را نسبت به دریافت پیام اصلی متن با مشکل اساسی مواجه می‌سازد. از این رو، «آسیب‌شناسی متن» یعنی بررسی و مطالعه موانع و مشکلات موجود در متن اخبار عاشورا و دسته‌بندی آنها به‌منظور شناسایی

عوامل مؤثر در ایجاد این مشکلات و راه‌های رفع آنها است. بر همین اساس، ملاک‌هایی که بر جداسازی و تشخیص گزارش‌های سره از ناسره در یک متن دلالت می‌کند نیز «معیارهای آسیب‌شناسی» دانسته شده‌است.

آنچه که در این پژوهش مدنظر است، معرفی معیارهای شفاف و کارآمد است که بتوان با استناد به آنها آسیب‌های متنی را شناسایی و مورد تحلیل قرار داد. گرچه ممکن است برخی از مصادیق، علاوه بر یک معیار با معیارهای دیگر نیز قابل انطباق باشند که به نظر نگارنده، وقوع چنین امری کاملاً طبیعی بوده و به‌هیچ‌روی مُخل به مقصود نیست.

پیشینه پژوهش

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته، اثری مستقل در این حوزه نوشته نشده‌است. با این همه می‌توان به کتاب‌های علی ملاک‌ظمی (۱۳۹۰ش) با عنوان *گونه‌های نقد و روش‌های حل تعارض در اخبار عاشورایی تا قرن هفتم*، یوسفی غروی (۱۳۹۴ش) با عنوان *آشنایی با منابع تا اسلام و تشیع و روش نقد اخبار و همچنین رساله‌های دکتری محسن رفعت (۱۳۹۴ش) با عنوان «نقد و بررسی روایات عاشورایی مقاتل امام حسین (علیه السلام) از آغاز تا قرن چهاردهم»* و سید محمد حسینی (۱۳۹۷ش) با عنوان «آسیب‌شناسی مطالعات عاشورا از عصر پهلوی تا انقلاب اسلامی»، اشاره کرد. وجه تمایز تحقیق پیش‌رو با این تحقیق‌های انجام شده، آن است که در این پژوهش بصورت تخصصی، آسیب‌های متن اخبار عاشورا در مقاتل عصر قاجار با معیارهای ویژه مورد بررسی قرار گرفته است. بر این اساس آسیب‌شناسی مقاتل عصر قاجار با استفاده از معیارهای شفاف و کارآمد، از اهمیت و ضرورت خاصی برخوردار است.

مقاتل مورد بررسی در مقاله

مقاتل جمع مقتل و به معنای اثر مکتوبی است که به بیان رویدادهای حادثه کربلا از آغاز تا فرجام پرداخته باشد. به دلیل این‌که مقطع زمانی مورد پژوهش در مقایسه با ادوار گذشته، از لحاظ فراوانی تاریخ‌نگاری عاشورا در اوج قرار دارد، بررسی و نقد همه مقاتل در این مقاله نمی‌گنجد. از این‌رو، تنها چند اثر بر مبنای برخورداری از

رویکرد یا رویکردهای محرف، سهل‌انگاری در نقل داده‌های صحیح تاریخی، بهره‌گیری از قواعد و اصول غیر مرتبط با علم تاریخ، تأثیرپذیری از منابع پر تحریف، اهتمام به درج نکات و لطایف الهام شده در عالم خواب و افراط در نقل امور خارق‌العاده، موردبررسی قرار خواهد گرفت. بر این اساس در این پژوهش مخزن البکا فی مصیبه سیدالشهدا علیه السلام، اثر ملا محمد صالح برغانی (متوفای ۱۲۸۳)، محرق القلوب فی مصائب الحسین علیه السلام و اهل بیته علیهم السلام، اثر ملا مهدی نراقی (متوفای ۱۲۰۹)، طوفان البکا در مصائب ائمه اطهار علیهم السلام بخصوص سیدالشهدا علیه السلام، اثر محمد ابراهیم بن محمد باقر متخلص به جوهری المروی (متوفای ۱۲۵۳)، اکسیر العبادات فی أسرار الشهادات مشهور به «أسرار الشهاده»، اثر ملا آقا فاضل دربندی (متوفای ۱۲۸۶)، ناسخ التواریخ، اثر میرزا محمد تقی سپهر لسان‌الملک (متوفای ۱۲۵۸)، الخصائص الحسينیه خصائص الحسین علیه السلام و مزایا المظلوم، اثر شیخ جعفر شوشتری (متوفای ۱۳۰۳)، طریق البکا (در مصائب خامس آل عبا)، اثر ملا محمد حسین گریان (متوفای ۱۳۲۲) و تذکره الشهداء، اثر ملا حبیب شریف کاشانی (متوفای ۳۴۰)، بررسی خواهند شد.

برخی از مقتل نگاران مانند فاضل دربندی و شریف کاشانی به زهد، تقوی، دلدادگی به ساحت مقدس امام حسین علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام مشهور بودند و آثار دقیقی در علم فقه، اصول، فلسفه و کلام تألیف کرده بودند. با این همه این بزرگان برای تدوین اثری مفصل درباره عاشورا با مجوز قاعده «تسامح در ادله سنن» و اصل «هدف وسیله را توجیه می‌کند» با کپی برداری از آثار ضعیف به جمع آوری اخبار عاشورا پرداختند. آنها که به دنبال جلب رضایت مداحان، مرثیه‌خوانان و عوام بودند با تأکید بر رویکردهای مسیحانه و تعبد به شهادت، چندان به مصادر کهن و درخور اعتماد تاریخی مراجعه نکردند و موجب شدند تا آسیب‌های متنی بسیاری به مقاتل دوره قاجار وارد شود. به سبب شخصیت مورد اعتماد این افراد، این آسیب‌ها بر مقاتل نگاری دوره‌های بعد نیز بسیار تأثیر گذاشته است.

معیارهای آسیب‌شناسی متن اخبار عاشورا

بیشتر آسیب‌ها و آفات گزارش‌های حادثه عاشورا، مانند دیگر متون حدیثی و تاریخی، مخفی و ناپیدا است. از این رو، بررسی و جستجوی راه‌هایی که آسیب‌ها و مشکلات موجود در این متون را روشن سازد، ضروری می‌نماید. برای این منظور می‌توان راهکارها و معیارهایی را جهت پیراستن این آسیب‌ها در نظر گرفت. روشن است که معیار، هنگامی ما را از درستی و نادرستی چیزی مطمئن می‌کند که خود حق و مطابق با واقعیت خارجی باشد و هیچ کژی را برنتابد. هراندازه که حق‌نمایی، راستی و درستی معیار و نیز شفافیت و روشنگری آن افزون‌تر باشد و به اصطلاح، قطعی باشد؛ گستره و کاربرد آن برای نقد محتوایی گزارش بیشتر می‌شود (مسعودی، ۲۳۴). با توجه به این مهم، به نظر می‌رسد که آسیب‌شناسی متنی مقاتل عصر قاجار با معیارهای زیر امکان‌پذیر است:

۱- عقل سلیم

عقل در متون دینی، در سه معنای مبدأ ادراکات بشری، اندیشه‌ورزی و نیروی تشخیص خوب و بد، به کار می‌رود (کلینی، ۱/ ۱۸-۲۱). بر این اساس، مقصود از عقل، افزون بر بدیهیات، باورها، مقبولات و مسلمات عمومی و کلی همه انسان‌های عاقل است. عقل فطری و سالم که سرشت تشخیصی او، دستخوش انحراف، بیماری و آلودگی نشده باشد (مسعودی، ۲۵۸). عقل، هدیه ویژه خداوند به انسان برای شناخت هستی و کشف پیوند میان اشیا است. عقل می‌تواند به واقعیت خارجی راه یابد. ذهن سالم، تصویرهای منطبق با خارج و حاکی از حقیقت‌های بیرونی می‌سازد و در حقیقت، چنین ذهنی واقع‌نماست. این واقع‌نمایی در سرشت عقل است و نیازمند بیان و اعتبار شارع مقدس نیست. آنچه عقل به آن راه می‌برد، حجیت ذاتی دارد و می‌تواند در عقیده و عمل، بدان اعتماد کرد. تا جایی که اگر دریافت عقلی، چنان آشکار و پذیرفتنی باشد که هیچ عاقلی نتواند آن را نادیده بگیرد، ناگزیر باید در آموزه‌های حدیثی و گزارش‌های تاریخی متفاوت با آن، بیندیشیم و چنانچه نتوانستیم با تأویل و تغییر

معنایی آن آموزه‌ها، به سازگاری پذیرفته‌شده‌ای دست‌یابیم، به‌ناچار باید آن را حذف و بی‌اعتبار کرد (مسعودی، ۲۵۸). افزون بر این، آموزه‌های دین نیز بر مشروعیت کاربرد عقل در دایره هستی‌شناسی، مهر تأیید زده و حتی بر آن تأکید کرده‌اند. قرآن کریم و روایات، بارها مردم را به تعقل، تفکر و تدبیر دعوت کرده‌اند و اگر آموزه‌های دینی، با عقل متعارض بود، دین از این دعوت نه‌سود، بلکه زیان می‌دید (ر.ک. مائده، ۹۰؛ کلینی، ۱، کتاب العقل و الجهل: ۱۴۰-۱۵۱، ح ۱۲).

با این اوصاف، کاربرد عقل در آموزه‌های دینی، مذهبی، از دو سو، یکی از ناحیه خطاپذیری و دیگری از سوی آموزه‌های فراعقلی دین، محدود می‌شود. قرآن و حدیث نیز برخی زمینه‌های خطای عقل در ماده استدلال، مانند گرایش‌های شخصی و اجتماعی، تقلید از گذشتگان، خلط ظن و گمان با یقین و برهان را، گوشزد می‌کند (ر.ک. نجم، ۲۳؛ کلینی، کتاب العقل و الجهل: ۱۴۰-۱۵۱). بسط چنین تعریفی در مواجهه با تعینات تاریخی می‌تواند محقق را به تعریفی از عقل در تاریخ برساند. آنچه در این پژوهش از تعریف عقل مورد نظر است، اولاً، عقل مستقل از نقل است و ثانیاً، قوه ادراکی است که می‌تواند میان واقعیت یا وهمیات تمییز دهد. بر این اساس، عقل در مواجهه با یک گزارش، با تکیه بر قطعیات پذیرفته‌شده که بخشی از آن، تجربه گذشته و بدیهیات پذیرفته‌شده است، با در نظر گرفتن شرایط پیرامونی، به داوری نشست و آن را تأیید یا رد می‌کند. این نام‌گذاری به اعتبار درگیری مورخ با شواهد تاریخی که در عالم واقع اتفاق افتاده و به‌نوعی برای وی محسوس بوده، لحاظ شده است (حسینی، ۲۲).

بر این اساس، گزارش‌هایی مانند عروسی حضرت قاسم با دختر امام حسین علیه السلام در آستانه ورود او به میدان نبرد با دشمنان در روز عاشورا (شریف کاشانی، ۲ / ۴۲۱)، ریختن سرهای بی‌تن و تن‌های بی‌سر مانند برگ خزان به خاک میدان نبرد، متواری ساختن سپاه دشمن توسط حضرت عباس پس از قطع شدن دست راست آن حضرت و حمل مشک آب با دوش چپش (جوهری، ۴۹۹)، جاری شدن سیل خون تا رکاب اسب بر اثر کشته شدن اشرار به دست امام حسین علیه السلام پس از شهادت فرزندش علی اکبر (دربندی، ۲ / ۱۱۷)، به قتل رسیدن بیش از ده هزار نفر از دشمنان توسط امام

حسین علیه السلام از حمله آن حضرت بر میمنه و میسره و قلب جناح دشمن و خطاب رسیدن از عالم بالا که اگر با قوت امامت جهاد کنی، پس چگونه امروز به ملاقات ما فائز خواهی شد؟ (نراقی، ۴۸۸)، کشته شدن بیست و پنج هزار نفر از سپاه عمر بن سعد به دست امام حسین علیه السلام در حالت جراحت شدید (شریف کاشانی، ۱۱۷/۲)، همچنین اخبار مربوط به نمایان بودن چهار هزار و صد و هشتاد زخم در بدن مطهر امام حسین علیه السلام (دربندی، ۱۷/۳)، مساوی دانستن تعداد زخم‌ها و ضربه‌های بدن مطهر امام حسین علیه السلام با تعداد آیات قرآن و یا مساوی دانستن تعداد زخم‌های بدن پاک آن حضرت با ۱۱۴ «بسم الله» در قرآن، (شوشتری، ۲۸۳)، حکایت عجیب و غریب غسل نمودن امام حسین علیه السلام در شب شهادتش، با آبی که فرزندش علی اکبر برای او آورده بود و سپس وضو ساختن با خون مطهر خود و انجام غسل تربیعی و ارتماسی با آن (شوشتری، ۴۷) از جمله مواردی است که عمدتاً باهدف پررنگ جلوه دادن بُعد حماسی، داستانی و افزودن به شمار کرامات و معجزات امام حسین علیه السلام به هر طریق ممکن، در بیشتر مقاتل این دوره ظهور و بروز یافته است. هیچ عقل سلیمی قادر به تجزیه، تحلیل و پذیرش موارد بالا نیست. چراکه برای نمونه، کشتن بیش از ده هزار و به روایتی بیست و پنج هزار نفر در حالت جراحت شدید، از ظرفیت بشری خارج است و انسان در شرایط معمولی امکان محقق کردن چنین واقعه‌ای را ندارد.

۲- عزت طلبی امام حسین علیه السلام و خاندان مطهرش

شخصیت والای امام حسین علیه السلام، بیش از هر جا، در قیام مقدس او و در میان سخنانی که در مسیر حرکت از مدینه تا کربلا و یا در روز عاشورا، ایراد فرموده، تجلی یافته است. آنچه در هر واژه از سخنان آن حضرت، به وضوح قابل مشاهده است، کرامت نفس، عزت و غیرتی است که دوست و دشمن را به اعجاب و اعتراف واداشته است (رک. طبری، ۴۲۵/۵). در واقع، اصل عزت طلبی معصومین علیهم السلام به ویژه امام حسین علیه السلام به عنوان رهبر نهضت عاشورا، به اندازه‌ای کارآمد است که می‌توان آن را در ردیف اصول کلامی شیعه، همانند اصل عصمت، قرار داده و با مسلم انگاشتن آن، به نقد محتوایی

روایات و گزارش‌های موجود در مقاتل پرداخت. و انتساب آنها را به امام علیه السلام رد کرد (صفری فروشانی، «عزت طلبی در نهضت امام حسین علیه السلام»، ۱۰۶). عزت طلبی در حادثه عاشورا چنان خودنمایی می‌کند که گویی همه فضای عاشورا حول محور این مهم می‌چرخد. سخن امام حسین علیه السلام درباره بیعت نکردن با یزید که فرمود: «والله لا اعطیکم بیدی اعطاء الذلیل و لا افرّ فرار العبید» (طبری، ۴/۳۲۳)، به خدا قسم من دست ذلت به دست شما نخواهم داد و مثل بندگان، ذلیلانه فرار نخواهم کرد؛ همچنین، ندای سفیر امام حسین علیه السلام، مسلم بن عقیل، در کوچه‌های کوفه که با عزت طلبی و آزادگی می‌گفت: «أقسمت لا أقتلُ إلا حُرّاً و إن رأیتُ الموتَ شیئاً مُراً» (مسعودی، ۳/۵۸)، سوگند خورده‌ام که جز عزیز و آزاد نمی‌رم، گرچه در این راه مرگ را سخت و تلخ بینم؛ نمونه بارز عنصر عزت طلبی آن حضرت و خاندان گرامی‌اش در واقعه عاشورا است. با توجه به این معیار، گزارش‌های مربوط به امام حسین علیه السلام، مانند استغاثه آن حضرت در آخرین نفس برای یک قطره آب (شوشتری، ۲۸۵)، ترسیدن امام حسین علیه السلام و زرد شدن رنگ چهره‌اش به خاطر مبارزه فرزندش با یکی از فرماندهان سپاه دشمن (دربندی، ۲/۶۳۱)، شعر منسوب به امام حسین علیه السلام که فرمود: «ای شمر! به این علیل و بیمار و خانواده بدون کفیل من که باید او سرپرستی آنان را بر عهده گیرد، رحم کن» (دربندی، ۲/۱۷۵۵ - ۱۷۶۲)، منسوب به امام سجاد علیه السلام هنگام آمدن به کربلا برای دفن امام حسین علیه السلام که: «ای پدر! کاش حاضر بودی و مرا اسیر و ذلیل می‌دید» (دربندی، ۳/۲۲۶)، دویدن حضرت زینب علیه السلام به سمت قتلگاه با سر و پای برهنه و طلب یاری از عمر بن سعد (شوشتری، ۲۸۹)، پریشان کردن مو توسط زنان اهل بیت امام علیه السلام در زمان مشاهده اسب بی‌صاحب (شریف کاشانی، ۱۵۷)، درخواست معافیت مسلم بن عقیل از امام حسین علیه السلام از سفر به کوفه (برغانی، ۳۷۰) و نوحه‌سرایی امّ البنین برای فرزندان شهیدش در قبرستان بقیع، با حضور مروان، والی مدینه و جمع زیادی از مردم (برغانی، ۹۱۶)، از جمله مصادیقی است که با رویکرد احساسی و عاطفی و برجسته شدن بُعد حزن‌انگیز این واقعه در مقاتل دوره قاجار، به امام حسین علیه السلام و خاندانش نسبت داده شده است. نسبت دهندگان این مجعولات، به این بهانه که هدف

(گربه) وسیله را توجیه می‌کند، یا به لوازم آن توجه نداشته‌اند و یا نخواسته‌اند توجه داشته باشند. درحالی‌که چنین نسبت‌هایی با اصل عزت طلبی و سیره معصومین علیهم‌السلام به‌ویژه امام حسین علیه‌السلام ناسازگار است (رنجبر، ۸۱ - ۸۲). برای نمونه، هشتمین و آخرین بیت از اشعار مجعول منسوب به امام حسین علیه‌السلام: «ایا شمر ارحم ذا العلیل و بعده حریما بلا کفیل یلی امرهم بعدی»، که معلوم نیست چه کسی سروده و به امام حسین علیه‌السلام نسبت داده است. برخی مقتل نگاران نیز به سبب بالا بودن بعد احساسی چنین ابیاتی برای تحریک احساسات مردم، این ابیات را در آثار خود آورده و ناخواسته به سبب علیل خواندن امام سجاد علیه‌السلام از زبان امام حسین علیه‌السلام، بدون کفیل خواندن خانواده امام حسین علیه‌السلام باوجود امام زین‌العابدین علیه‌السلام و درخواست ترحم از شمر برای امام سجاد علیه‌السلام و سایر افراد خانواده‌اش، به ساحت مقدس سیدالشهدا و اهل بیت علیهم‌السلام آن حضرت اهانت کرده‌اند.

۳- واقعیت‌های تاریخی

یکی از معیارهای اساسی برای بررسی گزارش‌ها و اخبار تاریخی مربوط به حادثه عاشورا، سازگاری یا ناسازگاری آنها با واقعیت‌های تاریخی است. واقعیت تاریخی، به آن دسته از حوادث و رخداد‌های حقیقی اطلاق می‌شود که در زمان و مکان خاص به‌طور قطع و یقین اتفاق افتاده و نسبت به وقوع آنها هیچ شک و تردیدی وجود ندارد. بر این اساس، آن دسته از وقایع تاریخی که نقل آنها در منابع قابل اعتماد، قوت و اعتبار فراوانی داشته و به دلیل تواتر در نقل و عدم ضعف، مورد پذیرش قرار گرفته است، چنانچه اخبار و گزارش‌هایی با این واقعیت‌ها در تضاد باشد، مورد قبول واقع نشده و به راحتی کنار گذاشته خواهد شد، هرچند سند آن اخبار صحیح باشد. برای نمونه در کتاب *الدرر المنتور* از عبدالله بن زبیر نقل شده که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «خداوند خانه خود را بیت عتیق نامید، زیرا از تسلط جابران، آن را رها ساخته است و پس از آن، هیچ ظالمی بر آن دست نمی‌یابد» (سیوطی، ۴ / ۳۵۷). علامه طباطبایی می‌نویسد: «این سخن، با واقعیت‌های تاریخی سازگار نیست، چراکه افرادی مانند حسین بن نمیر، حجاج و



قراطمه، آن را ویران کردند» (علامه طباطبایی، ۱۴ / ۳۷۹). با توجه به این معیار، گزارش حاکی از پرسیدن امام حسین علیه السلام از شیر درنده در مورد احوال مردم کوفه در منزلی به نام «قُطْقُطانه» و دریافت پاسخ از سوی آن حیوان که دل‌های ایشان با شماست و شمشیرهای آنان بر شما (سپهر کاشانی، ۴ / ۸)، معرفی حضرت عباس به‌عنوان اولین شهید کربلا در روز تاسوعا (دربندی، ۲ / ۱۰۹۶)، قرار دادن علی اکبر به‌عنوان آخرین شهید کربلا قبل از امام حسین علیه السلام (شریف کاشانی، ۲۷۶-۲۸۵)، حمل نعش آغشته به خون حضرت عباس به خیمه، توسط امام حسین علیه السلام (برغانی، ۵۶۶)، افسانه طرّمّاح بن عدی از بازگشت سر مطهر امام علیه السلام به تن شریف او و دیدن پیامبر صلی الله علیه و آله در قتلگاه (سپهر کاشانی، ۴ / ۲۳۷)، حضور هاشم بن عتبه بن ابی وقاص (هاشم مرقال) در کربلا با نیزه هجده ذرعی و کشتن تعداد بسیار زیادی از سپاه دشمن (نراقی، ۳۸۳-۳۸۶)، باخبر شدن فضّه از حضور شیری در حوالی صحنه نبرد و آوردن آن به قتلگاه به‌منظور جلوگیری از تاختن اسب به بدن مطهر امام حسین علیه السلام و منصرف شدن دشمن از این کار با مشاهده آن حیوان در کنار بدن شریف آن حضرت (شریف کاشانی، ۲ / ۲۶۲) و حکایت به سرقت بردن انگشتر مبارک امام حسین علیه السلام با قطع نمودن انگشت آن حضرت توسط بجدل بن سلیم کلبی (سپهر کاشانی، ۳ / ۹)، از جمله مصادیقی است که برخی از مقتل نگاران عصر قاجار، به دلیل عدم رعایت سبک تاریخ‌نگاری به معنای توجه به تواتر تاریخی نقل و همچنین حاکمیت رویکرد احساسی، به دنبال جعل گزارش‌ها و تکمیل فرایند داستانی، به نقل چنین اخباری متمسک شده‌اند، درحالی‌که هیچ‌یک از گزارش‌ها با واقعیت‌های تاریخی سازگاری ندارد. برای نمونه، در مورد به شهادت رسیدن حضرت عباس در روز عاشورا، مقتل نگاران اتفاق نظر دارند و اختلاف آنها تنها در این است که آیا علمدار کربلا آخرین نفر از بین بنی‌هاشم بود که قبل از امام حسین علیه السلام به میدان رفت یا خیر؟ که در پاسخ به این سؤال، دو نوع گزارش در دست است: بر اساس برخی از اخبار، آن حضرت زمانی که چند نفر از بنی‌هاشم شهید شده بودند، به میدان رفت (شیخ مفید، ۱۰۹-۱۱۰)؛ بنا به برخی دیگر از گزارش‌ها، وی جزو آخرین افراد بنی‌هاشم بود که پیش از امام حسین علیه السلام به شهادت رسید

(خوارزمی، ۲ / ۳۴-۳۶). احتمال دارد که دربندی به دلیل این که روز تاسوعا از سوی روضه‌خوان‌ها و مداحان به مصیبت‌خوانی حضرت عباس اختصاص یافته، خواسته یا ناخواسته این مطلب را با جعل گزارش‌هایی به مقتل افزوده است.

۴- توجه به منابع معتبر

این نوع منابع، به سبب نزدیکی زمان تألیف آنها با وقوع حادثه و گزارش وقایع به نقل از شاهدان عینی، انعکاس ماجرای عاشورا بر اساس ترتیب زمانی حوادث، گزارش متقن و منسجم از واقعه عاشورا، پرهیز از زیاد نویسی، مبالغه و داستان‌سرایی و توجه اندک به مباحث فرا بشری، از اعتبار و جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. بر این اساس، می‌توان عمده آثاری را که در دوره زمانی قرن دوم تا پنجم و با اندکی مسامحه حداکثر تا هفتم هجری تألیف شده‌اند، به‌عنوان منابع تاریخی معتبر کهن به حساب آورده و از هرگونه اعتماد به منقولات و گزارش‌های منابع پس از این دوره پرهیز کرد. همه نگاشته‌های دوره مذکور نیز از اعتبار یکسانی برخوردار نبوده و طبعاً منابع نزدیک‌تر به زمان وقوع حادثه، از اتقان بیشتری برخوردارند. با توجه به این مبنای، آثاری چون *مقتل الحسین* (متوفای ۱۵۷)، *مقتل الحسین* هشام بن محمد بن سائب کلبی (متوفای ۲۰۴) از شاگردان ابو مخنف، *أنساب الأشراف* بلاذری (متوفای ۲۷۹)، *أخبار الطوال* دینوری (متوفای ۲۸۲)، *تاریخ الرسل و الامم و الملوك* طبری (متوفای ۳۱۰)، *مقاتل الطالبین* ابوالفرج اصفهانی (متوفای ۳۵۶)، *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد* شیخ مفید (متوفای ۴۱۳)، *روضه الواعظین* محمد بن فتال نیشابوری (متوفای ۵۰۸)، *تذکره الخواص من الامة بذکر خصایص الائمة* سبط ابن جوزی (متوفای ۶۵۴) را می‌توان از جمله مهم‌ترین منابع تاریخی معتبر کهن به حساب آورد. بررسی برخی گزارش‌ها در مقاتل این دوره، محقق را به این نتیجه رهنمون می‌سازد که گزارش‌هایی مانند قرار دادن افرادی از قبیل «کثیر بن یحیی و محمود هاشمی» (دربندی، ۱ / ۸۴۳-۸۵۴) و همچنین «داود بن طرماح و اسد کلبی» در شمار اصحاب امام حسین (ع) که در کربلا به شهادت رسیدند (سپهر کاشانی، ۲ / ۳۷۷)، جدا شدن تعداد زیادی، از سپاه امام

حسین علیه السلام و باقی ماندن خاصان و خویشاوندان آن حضرت، در شب عاشورا (سپهر کاشانی، ۲/ ۲۲۲)، نجات سلطان قیس هندی از چنگال شیر در هندوستان توسط امام حسین علیه السلام در گرماگرم نبرد با دشمنان در روز عاشورا (شریف کاشانی، ۱۸/۲)، ماجرای مربوط به تعارف آب از جانب امام حسین علیه السلام و اسبش به همدیگر پس از کنار زدن چهار هزار نفر از مأموران مراقب آب توسط آن حضرت و رساندن خود به شطّ فرات (برغانی، ۶۴۱)، سوارشدن شهربانو بر ذوالجناح امام حسین علیه السلام و سپردن عنان خود به آن حیوان تا بر اساس فرمایش آن حضرت، وی را به هرکجا که خدا خواهد، برساند (نراقی، ۴۹۲)، به قتل رسیدن چهل نفر از سپاه دشمن، توسط ذوالجناح خسته و مجروح (جوهری، ۶۳۰-۶۳۴)، افسانه ساربان امام حسین علیه السلام در مورد به سرقت بردن کمر بند قیمتی آن حضرت با بریدن دستان مبارک امام علیه السلام (نراقی، ۲۱۸-۲۲۳) و قیام دختری به نام «دُرّه الصدف» در حلب به انگیزه خون‌خواهی امام حسین علیه السلام و بازپس‌گیری سرهای شهدا و آزاد کردن اسرا از چنگال مأموران یزید هنگام بردن سرها و اسرا به شام (دربندی، ۲ / ۱۶۵۲)، از جمله مطالبی است که به سبب موجود نبودن در منابع کهن، معتبر نیست. چنین گزارش‌هایی باهدف تدوین اثری مفصل از هرکس و هرکجا و تبدیل امام حسین علیه السلام از اسوه به اسطوره، توسط واقعه‌نگاران عاشورا به مقاتل عصر قاجار راه یافته است و تا آنجا که نگارنده این مقاله بررسی کرده است، رد پایی از این مطالب با چنین مضمون و محتوایی، در منابع تاریخی معتبر کهن یافت نمی‌شود. برای نمونه، استفاده از لقب ذوالجناح برای اسب امام حسین علیه السلام در گزارش مربوط به کشته شدن چهل نفر از سپاه دشمن توسط ذوالجناح خسته و مجروح، در منابع تاریخی معتبر کهن و حتی در گزارش‌های سپهر کاشانی که مؤلف یکی از پر تحریف‌ترین مقاتل عصر قاجار است، به چشم نمی‌خورد (سپهر کاشانی، ۲ / ۳۶۶).

۵- حس و تجربه

محسوسات به‌ویژه مشاهدات، همواره برای انسان در شمار معلومات نخستین و یقین‌های قابل اعتماد بوده‌است. ما همه‌روزه بدون هیچ تردیدی بخش عمده محسوسات



خود را قابل اعتماد دانسته و به آنها عمل می‌کنیم. همچنین امروزه پیشرفت‌های علوم تجربی به‌ویژه علمی مانند شیمی، زیست‌شناسی، فیزیک و پزشکی و ابداع روش‌ها و ابزارهای مدرن، نقش بسزایی در تعیین اصالت و اعتبار اخبار تاریخی ایفا می‌کند. همخوانی یا عدم همخوانی این دانش‌ها با داده‌های تاریخی، می‌تواند روشی مفید و مناسب در اعتباربخشی به گزارش‌های تاریخی باشد. حس و تجربه، همان محدودیت‌های عقل را در مواجهه با گزارش‌های مربوط به مطالب فراطبیعی دارا هستند؛ بر این اساس، هرگونه گزارش مخالف با معیار مذکور در صورت غیرقابل تأویل بودن، از درجه اعتبار ساقط است، هرچند آن گزارش سند صحیحی داشته باشد. بنابراین، گزارش‌هایی مانند درخواست شیطان از خداوند برای افزودن هفتاد درجه به گرمای خورشید به‌منظور آزمایش میزان صبر امام حسین علیه السلام و برآورده شدن مقصود شیطان از جانب خدا و فرار شیطان از عرصه کربلا (دربندی، ۱۳۰۵/۲)، گرم نبودن هیچ روزی مانند روز عاشورا از ابتدای دنیا تا قیامت (گریان، ۴۹)، صدا زدن امام حسین علیه السلام هر یک از بستگانش را پس از قطع هر عضوی از اعضایش توسط شمر و نالیدن از غربت و کم بودن تعداد یارانش (دربندی، ۱۳۹۷/۲)، پاره کردن بند قنடاق توسط طفل شیرخواره و انداختن خود از گهواره به روی زمین هنگام شنیدن استغاثه امام حسین علیه السلام (شریف کاشانی، ۱/۲۲۰)، تبدیل شتری که برای نوشیدن آب به دره‌ای رفته بود، به خون (دربندی، ۱۰۰/۳)، فرود آمدن جبرئیل امین به صورت مرغ سفید از آسمان و به منقار گرفتن رکاب اسب امام حسین علیه السلام برای سوار شدن آن حضرت (شریف کاشانی، ۶/۲)، تبدیل جماد به شکل شیر سنگی در هند و روم و خون گریستن بر امام حسین علیه السلام در روز عاشورا، چکیدن خون از نخل زرآباد در قزوین در شب عاشورا (جوهری، ۴۲۵)، داستان مرغ خونین بال و شفای دخترِ گر، کور، لال، شَل و مبتلا به مرض جزام و سخن گفتن آن مرغ با پدر آن دختر در مورد اصل ماجرا (سپهر کاشانی، ۴/۲۵۳)، از جمله موارد خارق‌عادی است که نه‌تنها هیچ سند تاریخی و روایی آن را پشتیبانی نمی‌کند، بلکه با محسوسات و تجربیات بشری به‌هیچ‌روی همخوانی ندارند. به نظر می‌رسد برخی مقتل‌نگاران با این توجیه که می‌توان موارد



مذکور را از باب اثبات کرامات و معجزات مورد بررسی قرار داد، به نقل چنین مطالبی دامن زده‌اند، درحالی‌که توجه نداشته‌اند که امور فرا طبیعی و غیرعادی، در صورتی قابل پذیرش هستند که مستند به ادله نقلی قطعی و یقینی و محفوف به قرائن و مؤیدات تاریخی باشد. در گزارش‌های فرا بشری و ثبوتی، اصل بر عدم پذیرش است، مگر آن‌که دلیل معتبر قطعی و یقینی بر آن اقامه شده باشد. برای نمونه، درخواست شیطان برای افزودن هفتاد درجه به گرمای هوا روز عاشورا در کربلا و فرار او پس از اجابت درخواستش، از جمله مطالب بی‌اساسی است که در هیچ منبع معتبری به آن اشاره نشده است. نقل چنین گزارشی، ضمن آن که با قوانین حسّی و تجربی به‌هیچ‌روی سازگاری ندارد، به‌نوعی موجب رواج اباحه‌گری نیز خواهد شد، زیرا هر انسانی به تصوّر این‌که وقتی خداوند بلافاصله درخواست موجود رانده‌شده از درگاه خویش را (شیطان) اجابت می‌کند، پس به طریق اولی درخواست انسان‌ها را نیز بدون جواب نمی‌گذارد. بر این اساس انسان دست به گناه زده و در نهایت با طلب بخشش، مورد عفو قرار می‌گیرد و بدون حساب وارد بهشت می‌شود.

۶- جامعه‌شناسی شهرهای مرتبط با واقعه

یکی از ملاک‌های قابل توجه در آسیب‌شناسی اخبار وقایع عاشورا که متأسفانه مورد غفلت واقع شده، تحلیل حادثه کربلا بر اساس اوضاع حاکم بر دو شهر درگیر این واقعه، یعنی کوفه و شام است. بر این اساس، بررسی موقعیت جغرافیایی، جمعیت، قبایل، آداب و رسوم، ادیان و مذاهب، قومیت‌ها، اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این شهرها ضروری می‌نماید. با این اطلاعات می‌توان آمار تقریبی لشکر عمر بن سعد و اصحاب امام حسین علیه السلام، تعداد کوفیان سپاه دشمن، وجود شیعیان علوی یا عثمانی در سپاه دشمن و علت بیعت شکنی کوفیان را مورد بررسی قرار داد. با چنین معیاری می‌توان به برخی از آسیب‌های متنی موجود در مقاتل پی برد. بر اساس این معیار، گزارش‌های مربوط به اعلام آمار لشکر عمر بن سعد به تعداد پانصد هزار نفر (دربندی، ۲ / ۱۳۶۴)، کشته شدن سیصد و سی هزار نفر از لشکر دشمن به دست امام حسین علیه السلام

در روز عاشورا (شریف کاشانی، ۱ / ۵۶)، گرفتار شدن امام حسین علیه السلام در مقابل یک‌صد و بیست و دو هزار نفر (گریان، ۶۱)، به هلاکت رسیدن سپاه بالغ بر صد هزار نفری دشمن به دست علی‌اکبر (شریف کاشانی، ۱ / ۴۸۶)، فرمایش امام حسین علیه السلام پس از شهادت فرزندش علی‌اکبر که بکشید دشمنان خدا را، پس یک‌صد هزار تن از آنها مردند (دربندی، ۲ / ۵۳۷)، همچنین اخبار مربوط به حضور شامیان در کربلا، از جمله حضور سمعان بن مقاتل از امرای حلب با هزار سوار در کربلا، به منظور یاری ابن زیاد و پس از وی، حضور برادرش نعمان با هزار سوار و حمله‌ور شدن به هاشم مرقال (نراقی، ۲۸۳)، درخواست ابن سعد از ازرق شامی، سپهسالار لشکر شام برای مبارزه با حضرت قاسم (نراقی، ۱۶۶)، از جمله مصادیقی است که با جغرافیای شهری کوفه که مرکز خلافت و محل پشتیبانی لشکر حاضر در کربلا بود، سازگاری ندارد. این عدم سازگاری را می‌توان از مجموع گزارش‌های موجود در منابع تاریخی همچون تاریخ طبری که درباره ساختار شهری کوفه گزارش‌هایی را ارائه کرده است، به دست آورد (طبری، ۴ / ۴۴-۴۸). همچنین گزارش مربوط به برپایی مجلس عزا در هریک از خانه‌های شامیان با اجازه یزید و جزء جزء نمودن قرآن به منظور تلاوت آن در مساجد توسط هریک از افراد، به دستور یزید (شریف کاشانی، ۲ / ۴۴۱)، از مواردی است که با اوضاع حاکم بر شام در طول سال‌های طولانی خلافت معاویه و جامعه‌شناسی این سرزمین سازگاری ندارد (کردعلی، ۱ / ۱۰۰). اگرچه تأثیر روشنگری‌های امام سجاد علیه السلام و حضرت زینب علیه السلام بر تعداد اندکی از شامیان و در نتیجه عزاداری خودجوش آنان بر کشتگان کربلا، قابل‌انکار نیست. با این حال برخی از مقتل‌نگاران عصر قاجار با هدف برجسته نمودن بُعد حماسی و عاطفی واقعه عاشورا، بدون مطالعه و بررسی اوضاع حاکم بر جامعه کوفه و شام در عصر وقوع حادثه، به جعل چنین گزارش‌هایی در آثار خود اقدام کرده و ناخواسته به تبریته عامل اصلی این جنایات هولناک یعنی یزید پرداختند. برای نمونه، حضور سمعان از امرای حلب و پس از وی برادرش نعمان به همراه هزار سوار و حمله‌ور شدن به هاشم مرقال از جمله مواردی است که با اوضاع حاکم بر کوفه همخوانی ندارد؛ چرا که در زمان حضور عبیدالله بن زیاد در این شهر

حدود صد هزار نیروی جنگی وجود داشت که تقریباً سی هزار نفر از آنان در لشکر عمر بن سعد حضور پیدا کرده بودند (ر.ک. صفری فروشانی، «مردم شناسی کوفه»، ۱۷). بر این اساس، از فردی سیاست‌مدار و کارکشته چون عبدالله بسیار بعید است که حتی برای حفظ موقعیت خود شده، برای مقابله با کمتر از صد نفر از شام درخواست نیرو کرده باشد. در منابعی که به حضور شامیان در سپاه دشمن اشاره کرده‌اند (صدوق، ۱۳۸؛ کلینی، ۷/۴)، با توجه به استفاده از واژه «اهل شام» در گزارش‌های آنها، به نظر می‌رسد که مقصود از آن کوفیان شامی مذهب یا شامیان کوفه بوده‌است که این امر اشاره به ماهیت سیاسی برخی از افراد عمر بن سعد دارد. گرچه حضور برخی از افراد شامی در لشکر دشمن که به دلایلی به کوفه سفر کرده بودند، دور از ذهن نیست؛ اما حضور سران و فرماندهان شامی در کربلا، قطعاً متغی است.

۷- باورهای فکری و مذهبی

برخی از ارباب مقاتل، از لحاظ علمی برجسته و صاحب‌نظر بوده و آثار متعددی در رشته‌های مختلف، با نهایت وسواس و دقت علمی، از خود به‌جای گذاشته‌اند که برخی از این آثار در حال حاضر نیز مورد استفاده متخصصین است. اما همین افراد موثق بنا به دلایلی چون ملاحظه اوضاع و شرایط حاکمان و درباریان، دخالت دادن باورهای مذهبی، فکری و اعمال ذوق و سلیقه شخصی و یا پیروی از باورهای فکری، مذهبی ارباب مقاتل دوره‌های گذشته و تأیید منویات آنان، در عرصه واقعه‌نگاری عاشورا برخلاف نگاشته‌های فقهی خود، خوش ندرخشیده و مقاتل پرآسیبی را از خود به یادگار گذاشته‌اند. برای اثبات این امر، کافی است که آثار فقهی برخی از فقیهان دوره مورد پژوهش از جمله ملا مهدی نراقی، فاضل دربندی و شریف کاشانی را با دقت مورد بررسی و مطالعه قرار داد و آنها را با آثار ایشان درباره امام حسین علیه السلام و حادثه عاشورا، مقایسه کرد. در چنین حالتی تفاوت‌های فاحشی بین نگاشته‌های فقهی و تاریخی آنها بروز خواهد کرد. بر اساس این معیار، گزارش‌هایی مانند آفریده شدن جهان و تمام موجودات آن، تنها برای تعزیه و اقامه عزای امام حسین علیه السلام (دربندی، ۵/۱)، راضی شدن امام حسین علیه السلام به شهادت، برای

رسیدن به شفاعت کبری که مقتضی استخلاص همه محبّان و موالیان است (نراقی، ۳)، دست از محاربه کشیدن امام حسین علیه السلام هنگام شنیدن ندای آسمانی «یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود» ای حسین! اگر با این شجاعت بخواهی قتال کنی، احدی را زنده نخواهی گذاشت پس چه کسی تو را خواهد کشت و چه کسی قیامت گناهکاران امتش را شفاعت خواهد کرد؟ (شریف کاشانی، ۱۲/۲)، خبر مربوط به امتناع ذوالجناح از راه رفتن، هنگام سوارشدن امام حسین علیه السلام بر آن حیوان، مگر آن که در قیامت، حضرت بر آن سوار شده و امت گناهکار را شفاعت کند! (شریف کاشانی، ۳۱۲/۱)، آب آوردن مرد درویش برای امام حسین علیه السلام با کشکول به محض شنیدن استغاثه آن حضرت (گریان، ۴۹۶)، استغاثه امام حسین علیه السلام از شهیدان زنده دل و گلایه آن حضرت از آنان به خاطر پاسخ ندادن آنها و انتساب این عمل به رفتار خدعه آمیز روزگار خیانت‌پیشه با آنان (شریف کاشانی، ۳۷۷/۲)، ماجرای شگفت آور سر به چوبه محمل کوبیدن حضرت زینب علیه السلام و جاری شدن خون از زیر مقنعه و معجزش (دربندی، ۱۵۵۹/۲)، مقایسه بدن مطهر امام حسین علیه السلام با قرآن، در برخورداری از اجزاء، سوره‌ها، آیه‌ها، سطرها، کلمه‌ها، حرف‌ها، نقطه‌ها و اعراب بر اثر اجتماع سطر شمشیرها، کلمات نیزه‌ها، نقطه تیرها و اعراب آنها (شوشتری، ۲۸۳)، از جمله مواردی است که بر مبنای الهامات خاص و بر اساس رویکرد احساسی، برداشت فدا گونه، اباحه‌گرایانه، جبر گونه، اسطوره‌ای و همچنین تجویز قاعده «تسامح در ادله سنن» از سوی واقعه‌نگاران عاشورا، به مقاتل عصر مورد پژوهش راه یافته و آثار زیانباری برجای گذاشته است. از مهمترین این آثار زیانبار می‌توان به اینها اشاره کرد: مخدوش و وارونه جلوه دادن حکمت و اهداف امام حسین علیه السلام، جرأت یافتن مجرمان و گناهکاران بر گناهان بیشتر و بدتر به بهانه شفاعتشان در قیامت و ورود بدون حساب و کتاب به بهشت، ایجاد بی‌انگیزگی و روحیه سستی و بی‌علاقگی در میان صالحان و نکوکاران و واداشتن غیرمسلمانان به اظهارنظرهای محرف و نادرست درباره مسأله شفاعت (رنجبر، ۲۹۱)، تبلیغ مسلک صوفیانه و ترویج آیین‌های خرافه‌ای به‌ویژه قمه‌زنی و تبرئه تلویحی عاملان و مسببان واقعه کربلا. برای نمونه، ماجرای سر به چوبه محمل کوبیدن حضرت زینب علیه السلام و جاری شدن خون از زیر مقنعه

و معجزش، بهترین بهانه برای توجیه اعمال نامعقول و غیرمنطقی قمه زنان شده است. طرفداران این آیین می گویند اگر قمه زنی جایز نیست، پس چرا حضرت زینب علیها السلام سرش را به چوبه محمل کوفت و سر و صورتش را آغشته به خون کرد؟ مگر امام سجاد علیه السلام همراه زینب نبود و این اقدام عمه اش را ندید؟ اگر سر شکافتن حرام است پس چرا امام علیه السلام به این کار عمه اش اعتراض نکرد؟ آیا سکوت امام معصوم علیه السلام در اینجا نمی تواند این عمل را تأیید و تقریر کند؟ (صحتی سردرودی، ۱۳۸).

نتیجه

واقعه نگاری عاشورا یکی از مؤثرترین شیوه ها در جهت پاسداشت و حفظ ارزش های والای حادثه کربلا، همواره در طول تاریخ مورد توجه محققان تاریخ اسلامی و تشیع بوده است. آثار عاشورایی از جهت مضمون و محتوا عاری از ضعف و سستی نیستند، اما در عصر قاجار، بنا به دلایلی مانند تأثیرپذیری از سبک واقعه نگاری دوره صفویه به ویژه کتاب *روضه الشهداء* ملا حسینی کاشفی، وجود زمینه های سیاسی، اجتماعی و مذهبی به ویژه سیاست حاکمان قاجار نسبت به گسترش سنت های عزاداری عاشورا با تأکید بر رویکرد احساسی، سهل انگاری در به کارگیری روش های صحیح نقل و ثبت داده های تاریخی، فاصله گرفتن از منابع اصیل کهن، دخالت دادن ذوق، سلیقه و باورهای شخصی، به طرز چشم گیری بر دامنه آسیب های متنی در مقاتل افزوده شده است. چنین آسیب هایی با معیارها و ملاک هایی قابل شناسایی هستند. در این تحقیق، هشت مقتل با عناوین *مخزن البکا*، *محرق القلوب*، *طوفان البکا*، *اکسیر العباد*، *ناسخ التواریخ*، *خصائص الحسینیه*، *طریق البکا* و *تذکره الشهداء*، به دلایلی چون برخوردار بودن از رویکرد یا رویکردهای خاص، بهره گیری از قواعد و اصول غیر مرتبط با علم تاریخ، دغدغه مندی تدوین اثری مفصل، تأثیرپذیری از آثار ضعیف دیگران و افراط در نقل معجزه و کرامت، مورد ارزیابی قرار گرفتند و به نمونه هایی از آسیب های متنی موجود در آنها اشاره شده است. در بین آثار ذکر شده، کتاب *اسرار العباد* فاضل دربندی و *تذکره الشهداء* شریف کاشانی بنا به دلایلی مانند دغدغه مندی تدوین اثری مفصل،

تجویز قاعده «تسامح در ادله سنن»، اصل «هدف وسیله را توجیه می‌کند»، با کپی‌برداری از آثار ضعیف به جمع آوری اخبار عاشورا پرداختند. آنها که به دنبال جلب رضایت مداحان، مرثیه‌خوانان و عوام بودند با تأکید بر رویکردهای مسیحانه و تعبد به شهادت، چندان به مصادر کهن و درخور اعتماد تاریخی مراجعه نکردند و موجب شدند تا آسیب‌های متنی بسیاری به مقاتل دوره قاجار وارد شود. آسیب‌های متنی اخبار و گزارش‌های موجود در مقاتل منتخب این عصر، با استفاده از معیار عقل سلیم، حسن و تجربه، عنصر عزت‌طلبی امام حسین علیه السلام و خاندانش، انطباق با واقعیت‌های تاریخی و باورهای فکری و مذهبی، مقایسه با گزارش‌های منابع تاریخی معتبر کهن و بهره‌گیری از جامعه‌شناسی کوفه و شام قابل‌شناسایی هستند.

منابع

- قرآن کریم.
- برغانی، ملا محمد صالح، مخزن البکاء فی مصیبه سیدالشهدا، تحقیق مجتبی خورشیدی، قم، طوبای محبت، ۱۳۹۴ ش.
- جعفریان، رسول، تاقلی در نهضت عاشورا، تهران، نشر علم، ۱۳۹۱ ش.
- جوهری مروزی، محمدابراهیم بن محمدباقر، طوفان البکاء در مصائب ائمه اطهار بخصوص سید الشهداء علیه السلام، تحقیق و تصحیح عبدالله قربان پور دلاور، قم، طوبای محبت، ۱۳۹۵ ش.
- حسینی، سید محمد، «آسیب شناسی مطالعات عاشورا (از پهلوی اول تا انقلاب اسلامی)»، رساله دکتری، استاد راهنما نعمت الله صفری فروشانی، دانشگاه ادیان و مذاهب (دانشکده شیعه شناسی)، ۱۳۹۷ ش.
- خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین علیه السلام، تحقیق محمد سماوی، چاپ ششم، قم، دار انوار الهدی، ۱۴۱۸.
- دربندی، آقا بن عابد، اکسیر العبادات فی اسرار الشهادات، ترجمه حسین شریعتمداری تبریزی، قم، طوبای محبت، ۱۳۹۲ ش.
- رفعت، محسن، «نقد و بررسی روایات عاشورایی مقاتل امام حسین علیه السلام از آغاز تا پایان»، استاد راهنما: محمد کاظم رحمان ستایش، دانشگاه قم (دانشکده الهیات و معارف اسلامی)، رساله دکتری، ۱۳۹۴ ش.
- رنجبر، محسن، جریان شناسی تاریخی قرائت‌ها و رویکردهای عاشورا از صفویه تا مشروطه (با تأکید بر مقاتل)، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹ ش.
- سپهر کاشانی، میرزا محمدتقی، ناسخ التواریخ، تهران، مؤسسه کتاب‌فروشی اسلامی، ۱۳۳۶ ش.
- سیوطی، جلال الدین، الجامع الصغیر، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱.
- شریف کاشانی، ملا حبیب‌الله، تذکره الشهداء، تهران، شمس الضحی، ۱۳۹۳ ش.
- شوشتری، جعفر بن حسین، الخصائص الحسینیة، ترجمه محمدحسین شهرستانی، چاپ اول، مشهد، مؤسسه فرهنگی و انتشارات استوار، ۱۳۹۱.
- شیخ مفید، محمد بن نعمان، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ سیزدهم، تهران، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۳ ش.



- صحیحی سردرودی، محمد، تحریف شناسی عاشورا و تاریخ امام حسین علیه السلام، چاپ سوم، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۹ ش.
- صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمه، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۲۶.
- صفری فروشانی، نعمت الله، «عزت طلبی در نهضت امام علیه السلام»، مجله حکومت اسلامی، شماره ۲۶، زمستان ۱۳۸۱ ش.
- صفری فروشانی، نعمت الله، «مردم شناسی کوفه»، فصلنامه مشکوه، شماره ۵۳، زمستان ۱۳۷۵ ش.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر بن رستم، تاریخ الأمم و الملوک، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ اول، بیروت، دارالتراث، ۱۳۸۷.
- علامه طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، تهران، انتشارات محمدی، ۱۳۶۲ ش.
- کردعلی، محمد، خطط الشام، بیروت، دارالعلم للملایین، بی تا.
- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، چاپ هفتم، بیروت، دار صعب و دار التعارف، ۱۴۱۰.
- گریان، ملا محمدحسین، طریق البکاء در مصائب آل عبا، چاپ دوم، قم، وحدت بخش، ۱۳۹۲ ش.
- مسعودی، عبدالهادی، وضع و نقد حدیث، چاپ دوم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۹ ش.
- ملا کاظمی، علی، گونه های نقد و روش های حل تعارض در اخبار عاشورا (تا قرن هفتم هجری)، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۰ ش.
- نراقی، ملا محمد مهدی، محرق القلوب (غم های جانسوز)، به اهتمام علی نظری منفرد، چاپ چهارم، قم، انتشارات سرور، ۱۳۹۳ ش.
- یوسفی غروی، محمد هادی، آشنایی با منابع تاریخ اسلام و تشیع به روش نقد اخبار، تحقیق ساجده یوسفی، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۴ ش.